

خبر ویژه

برگزاری دومین دوره جایزه ملی تعالی و پیشرفت

● دومین دوره جایزه ملی تعالی و پیشرفت با رقابت اندیشکده‌ها و پژوهشگران و شرکت‌های تخصصی کشور برای کسب جایزه ملی «تعالی و پیشرفت» صبح دیروز در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. هدف از برگزاری این جایزه که صبح دیروز با حضور ۸۴ شرکت داخلی در تالار ابوریحان دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد، پیاده‌سازی، اجرا و ارزیابی سازمان‌ها در چارچوب سیاست‌های کلی نظام، اقتصاد مقاومتی و مدیریت جهادی، توسعه فرهنگ تعالی در سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات سراسر کشور، توسعه فرهنگ الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات سراسر کشور، ایجاد وحدت و همدلی بیشتر میان همه بنگاه‌های اقتصادی کشور و تبادل تجربیات با دعوت از حوزه‌های مختلف تولیدی و خدماتی- دولتی و خصوصی در ۱۱ گروه کسب‌وکار کشاورزی و دامپروی، صنایع و معادن، فناوری اطلاعات و ارتباطات، صنایع غذایی، خدمات فنی-مهندسی (پیمانکاری)، ساختمان و خدمات وابسته، خدمات بازرگانی، خدمات مالی و سرمایه‌گذاری، گردشگری، برق و انرژی، سلامت و بهداشت، بسترسازی و ایجاد فضای رقابتی توم با خلایق و نوآوری در سازمان‌ها، تشویق سازمان‌ها برای اجرای فرایند خودارزیابی برای شناخت نقاط قوت و نقاط قابل بهبود، تقویت قابلیت‌های سازمانی به منظور چابکی سازمان‌ها در کسب‌وکار، تقویت تعامل اثربخش و سازنده در درون و بیرون سازمان، ارج نهادن به سازمان‌های متعالی و بهره‌ور و تقدیر از مدیران و کارکنان آنها، افزایش مستمر سطح رضایت ذی‌نفعان از خروجی نظام مدیریت متعالی حاکم بر این سازمان‌هاست. سعیدی‌کیا، رئیس بنیاد مستضعفان، در این همایش گفت: ما سالانه چند شرکت بنیاد را با برنامهریزی به بازار بورس وارد می‌کنیم که در سال گذشته شش شرکت بنیاد وارد بورس شد.

ادامه از صفحه اول

نوشدارو بعد از مرگ سهراب؟

این فرهنگ رهاسازی، عدم مسئولیت‌پذیری و تسامح در دقت به امور و رهاکردن اوضاع کشور به دست حوادث، با وجود همه تهدیدهای خارجی و مشکلات داخلی اینک مورد گلیاه قرار گرفته است. اینکه مسئولان روزه سکوت گرفته‌اند و نهادهای نظارتی در کار اجرایی دخالت می‌کنند هم ناشی از همین روحیه است. اگر نهادی نظارتی مثل سازمان بازرسی کل کشور در وزارتخانه‌ها مستقر است، این به‌هیچ‌وجه به معنی دخالت نیست، بلکه این خود مدیران هستند که تمایل دارند برای کارهای خود از دفتر سازمان بازرسی استعلام گرفته و کسب اجازه کنند؛ وجود نهاد نظارتی بسیار لازم و ضروری است، اما مدیران که حتما نباید خلاف قانون عمل کنند. باید به تشخیص و مسئولیت خود تصمیم‌گیری کرده و صد البته اگر نهاد نظارتی مودی را تشخیص داد، گزارش کند. روحیه رهاسازی و کشیدن گلیم خود از آب و ترس از پاسخ‌گویی در مراجع مختلف، مدیران را به یک شکل درآورده است. انتقاد رئیس‌جمهوری از مدیران بسیار بجاست، اما برنامه‌دادن مگر کار امروز است؟
اولا برنامه ششم مصوب مجلس است که عملا انجام آن ممکن نشده و در صورت اجرا هم که با اعتبارات فعلی ممکن نیست قادر به حل مسائل اصلی کشور باشد. اینکه به دستگاه‌ها باید برنامه بدهند- حتی در چارچوب برنامه ششم با حسب ضرورت‌ها - البته به خود وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی بازمی‌گردد، ولی می‌توان گفت ایفاکردن وظیفه مربوطه توسط سازمان مدیریت و برنامه و البته پیگیری معاون اول، این وضع را به وجود آورده و در حقیقت رسیدگی به کار وزارتخانه‌ها و اخذ گزارش و برنامه‌های اجرایی و تطابق عملکرد وزارتخانه‌ها به برنامه‌ها در وظیفه سازمان مدیریت و برنامه است. در حقیقت رابط اصلی وزارتخانه‌ها با رئیس‌جمهور، سازمان مدیریت و برنامه و معاون‌اول است تا رئیس‌جمهور در جریان واقعی امور قرار بگیرد. آیا به‌جز بهجت‌های وزیر بهداشت و وزیر کار در هیئت دولت، بحث‌های جدی و درگیری‌های فیمابین رخ می‌دهد یا همه مسائل با تسامح و بزرگواری و سکوت در هیئت دولت روبه‌رو می‌شود. البته وجود بحث در دستگاه‌های اجرایی چندان مطلوب نیست، اما نشان از حرکت و زندگی دارد و سکوت علامت مرگ است. در سال‌های ۵۹ تا ۹۳ در وزارت صنایع تجربه‌ای امتحان شده است؛ تشکیلات وزارتخانه متشکل از تعدادی معاون تخصصی صنایع و هرکدام شامل چهار زیرمجموعه بود و همواره آن چهار معاون که زیرمجموعه‌ها را نظارت و هماهنگی می‌کردند شکل گرفت و به قولی تشکیلات ماترسی ایجاد شد. طبعاً در این رهگذر یک تحرک و تولید صدای نارضایتی بین زیرمجموعه‌ها و معاونان ایجاد شد که در ابتدا بسیار بود، اما آن نشانه کار و فعالیت و حل مسائل بود و به‌تدریج صداها منطقی و سازنده شد و گرفتاری‌های میان‌بخشی کمتر شد، اما تحرک و پویایی و نشاط در این جریان داشت. سکوت و بی‌صدایی نشانه‌های مرگ است و جامعه پویا صدا و فریاد دارد و صدالته به مواقع لازم رئیس‌جمهور باید اقتدار خود را نشان دهد و با تصمیم‌های به‌موقع و الزام افسراد به اجرای آن کار را پیش ببرد. طبیعی است پس از مرگ سهراب گله از اجرائنشدن تصمیم‌ها به‌خاطر مسامحه یا بی‌حوصلگی یا هر علت دیگر درآوی درد نخواهد بود.

محمد مساعد:
هپکو، کارخانه‌ای که روزی نگین تولید و مونتاژ ماشین‌آلات صنعتی خاورمیانه بود، امروز با خبر تلاش برای خودکشی کارگرش و تجمع کارگران دیگرش در مسیر راه‌آهن شمال- جنوب به رسانه‌ها بازگشته است. این شرکت که در جریان خصوصی‌سازی‌ها واگذار شده، چند سالی است با مشکلاتی جدی دست‌وپنجه نرم می‌کند. در این بین، زرمه‌هایی مبنی بر تلاش برای به‌ناپودی‌کشاندن هپکو شنیده می‌شود؛ تلاش‌هایی که هدفش تعطیلی کارخانه و فروش زمین‌ها و دستگاه‌هایی است که بسیار ارزشمندند. در این شرایط، کارگران هپکو روز گذشته در مسیر راه‌آهن شمال- جنوب تجمع و برای ساعاتی این مسیر را مسدود کردند؛ جمعی که در نهایت با تصمیم خود کارگران به پایان رسید.

خصوصی‌سازی بلای جان هپکو

ابوالفضل پوروفایی، رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان مرکزی و نایب‌رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: روز دوشنبه کارگران شرکت هپکو برای ساعاتی در نزدیکی پل شهید بهختیاری روی مسیر راه‌آهن شمال- جنوب تجمع کردند. اعتراض عمده این کارگران هم معوقات مزدی و فعالیت‌نکردن شرکت هپکو بود. طبیعی است که کارگری که به‌دکارها رشک، خرج نااهش را نداشته باشد، اجازه‌خانه‌اش عقب افتاده باشد و به‌سوپرمارکت و نانوائی و بانک به‌دکار باشد، بالاخره چنین تصمیماتی می‌گیرد. این تجمع کاملاً آرام برگزار شد و کارگران بعد از ساعتی محل را ترک کردند. امیدوارم مسئولان این اتفاقات را جدی بگیرند و پیش از آنکه اتفاق بدی بیفتد، فکری به حال وضعیت کارگران بکنند. شرایط کارگران اسف‌بار است و شرایط کارگران هپکو اسفابتر. کاری وجود ندارد و سفارشی انجام نمی‌شود و چند ماه حقوق عقب‌افتاده نتیجه‌اش می‌شود همین عصبانیت کارگران. زمانی این شرکت دو هزار نیروی کار داشت و امروز ۷۰۰ نفر نیرو دارد که عملاً کاری برای انجام‌دادن ندارند و اگر این شرایط ادامه پیدا کند، وضع بدتر نیز می‌شود. به همین دلیل است که فکر می‌کنم بدون عزمی جدی در پایتخت، امکان نجات هپکو وجود ندارد و کار از برگزاری و چاره‌اندیشی در جلسات استانی گذشته است. تا به حال تنها راهکار این بوده که به شرکت وام بدهند که تنها مُسکن است و شرکت را به‌دکارتری می‌کند و بعد از گذشت مدتی، بحران شدیدتر برمی‌گردد. پوروفایی درباره مشکلات هپکو می‌گوید: متأسفانه هنوز وضعیت مدیریتی این شرکت مشخص نیست. اکثر واحدهای

تولیدی که در جریان خصوصی‌سازی واگذار شدند، امروز دچار مشکل هستند و واحدهایی که هم نیروی کار متخصص و باتجربه و هم دستگاه‌های تولید دارند، به این کاروروز افتاده‌اند. حل مشکل مدیریتی این شرکت‌ها و خارج‌کردن آنها از بلاتکلیفی راه چاره است، نه پرداخت وام‌هایی که خودشان مشکل‌زا هستند. کسانی که به هپکو آمدند، نه اهلیت و نه سابقه‌ای در این کار داشتند و چشمشان به زمین‌ها، اموال و دارایی‌های شرکت بود. همین امروز مدیرانی هستند که دنبال فروش املاک هپکو در تهران و جنوب هستند و بهانه آنها نیز پرداخت حقوق است؛ درحالی‌که این شرکت بیشتر از هر چیزی کار و سفارش می‌خواهد تا بتواند روی پای خودش بایستد.

کاری که نیست

رضا، از کارگران کارخانه هپکو که در تجمع روز گذشته حضور داشته است، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: ما جمع شدیم که بگوییم بنگرانیم. بگوییم به‌دکاریم. بگوییم بدبخت شده‌ایم. ما دوست نداریم برای کسی مزاحمت ایجاد کنیم. نمی‌خواستیم کسی را آزار بدهیم. ما فقط می‌خواهیم صدایمان را بشنوند. ما نمی‌خواهیم مثل شرکت آونگان بشویم. این خصوصی‌سازی شرکت ما را بیچاره کرد. هپکو شرکت تک خاورمیانه بود که زمانی، در سال دوهزار ۴۰۰ دستگاه ماشین‌آلات تولید می‌کرد. پارسال هشت دستگاه تولید کردیم، دو سال قبل

اقتصاد



مُسکن‌هایی که صدها میلیارد تومان بدهی برای هپکو به بار آوردتجمع روی ریل راه‌آهن

۱۴ دستگاه، تعداد کارگرانمان نصف شده است. مدیران فعلی هم دارند وقت می‌خرند که همین تعداد هم در این سال‌ها بازنشست بشوند و هپکو برود پی کارش. چشمشان به این ۱۱۵ هکتار زمین هپکو در بهترین نقطه شهر اراک و این همه دستگاه است که بعضی‌هایش نمونه‌ای در خاورمیانه ندارد. هر بار که ما تجمع می‌کنیم می‌گویند به شرکت وام می‌دهیم. وام به چه درد شرکت می‌خورد جز اینکه به‌دکارترش می‌کند؟ ۱۹۰ میلیارد تومان از بانک تجارت وام گرفته‌اند، امروز با جریمه و دیرکردش به ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است. شرکتی که زمانی دو شیفت کار می‌کرد، امروز پنج درصد خط تولیدش هم فعال نیست. بیایید ببینیم ما چه‌کار می‌کنیم. از هر ۱۰ نفر دو نفر مشغول کار هستند که واقعا هم اسمش کار نیست. برای انجام پروژه‌هایی است که اصلاً کار هپکو نیست. تیرآهن چند تُنی را می‌اندازیم توی دستگاهی که کارش ظرف‌کاری است فقط برای اینکه چهار تا سوراخ رویش درست کنیم. دستگاهی که میلیارد‌ها تومان ارزش دارد برای همچین کاری خراب می‌شود که نه تخصص ماست نه سودآوری دارد. او اضافه می‌کند: غلتک و گیردری که هپکو تولید می‌کند، چه از نظر کیفیت و چه از نظر توان کاری، در خاورمیانه رقیب ندارد. اما همین را هم نمی‌توانیم تولید کنیم. یا سفارش نیست یا هم هست مواد اولیه‌اش را نداریم. قطعه‌به‌قطعه باید بیفتیم دنبال تکمیل یک سفارش و

میدری: رفع فقر مطلق در ایران نشدنی است

تورمی که در پیش خواهیم داشت، تعداد بیشتری زیر خط فقر قرار می‌گیرند.

افزایش فقر در ایران از ۱۸ به ۳۰ درصد

میدری با اشاره به تغییرگفتمانی فقر در ایران در دهه‌های اخیر توضیح داد: در ۵۰ سال گذشته گفتگمانی در این حوزه ایجاد شده است. به تنهایی که امروز آسیب‌پذیر می‌گوییم، قبلاً محروم گفته می‌شد و در دهه ۶۰ مستضعف. چرا این تغییرات شکل گرفت؟ کدام درست‌تر است؟ جامعه‌شناسی به ما کمک کرده است، خیلی از توهمانی را که با آنها روبه‌رو بوده‌ایم از بین ببریم. کارل مارکس مطرح کرد، انسان‌ها تحت شرایط اقتصادی اندیشه‌هایشان شکل می‌گیرند. یکی از خواب‌هایی که جامعه‌شناسان، بشر را از آن بیدار کردند، این بود که ما الفاظ را تصادفی تغییر نمی‌دهیم. این تغییر کارکرد دارد. به‌هیچ‌وجه کلمه سرمایه‌دار تصادفی و خودبه‌خودی به کلمه کارآفرین تبدیل نشد، بلکه تحول اجتماعی خاصی شکل گرفت و باید به صورت هوشمندانه به آن بنگریم. مستضعف فردی است که فقرش محصول روابط اجتماعی- اقتصادی- سیاسی است، نه‌اینکه در ذات خود این فرد فقیر باشد. دیگری‌ها (روابط اجتماع، سیاست، اقتصاد) مقصر هستند که این فرد نمی‌تواند مانند دیگران زندگی کند، اما زمانی که ما به فقر صفت آسیب‌پذیر را نسبت می‌دهیم و این‌طور می‌نامیم، به این معناست که فرد به دلیل با دلایل ناشناخته در معرض کمبود درآمد و طرد اجتماعی قرار گرفته است. بنابراین بهتر است زبان را احیا کنیم. آسیب‌پذیر به بخشی از محرومان گفته می‌شود. آنچه ما باید بیشتر روی آن فکر کنیم اینکه چرا استضعاف در جامعه وجود دارد و افراد به دام فقر می‌افتند. نباید فکر کنیم فقر ویژگی‌ای ذاتی است، شرایط ساختاری را باید تغییر داد. معاون راه و راه‌آهن کار عامل اصلی فقر و نابرابری در ایران را تعارض منافع دانست و گفت: چیزی که در ایران باعث شده فقر را ۱۸ درصد به ۳۰ درصد گسترش پیدا کند، تعارض منافع است. از رویکرد مارکسیستی‌اش که تضاد منافع است، بگذریم، منافع گروه‌ها قابل جمع‌شدن نیست؛ مگر اینکه آن را به آشتی منافع تبدیل کنیم. کسانی که صاحب قدرت بیشتر هستند، منافع دیگر گروه‌ها را مصادره می‌کنند. عامل بنیادین در این موضوع تعارض منافع است. برخی گروه‌ها صاحب قدرت هستند و گروه‌های بسیاری بدون قدرت، باید به یک توان قدرت دست پیدا کنند.

پرداخت ۱۲ هزار میلیارد تومان از جیب مردم به نفع صاحبان بانک‌ها
اوصافه کرد: مطالعات نشان می‌دهند، چند گروه به ذات صاحب قدرت بیشتر هستند. صاحبان بخش مالی، بانک‌ها، بورس‌ها و بیمه‌ها می‌توانند

تازه اگر دستگاهی هم حین کار خراب بشد، پولی برای تعمیرش وجود ندارد. زمانی اینجا کامیون‌ها صف می‌کشیدند تا تولیدات ما را ببرند، اما امروز عملاً بی‌کار شده‌ایم. شرکت‌های راهسازی و عمران و معادن دولتی از خارج دستگاه تهیه می‌کنند. دولت قول داده بود سه هزار دستگاه به هپکو سفارش بدهد، اما فقط حرفش شد و رفت و فراموش شد.

شرکت و کارگر، هر ۲ به‌دکار

این کارگر هپکو درباره معوقات دستمزد کارگران شرکت می‌گوید: حقوق بهمین‌ماه را همین چند وقت پیش گرفتیم. همان حقوق بهمین را هم بعضی‌ها نگرفتند. بعضی‌ای از کارگران ما از سال ۹۵ طلبکارند. سنوات بازنشستگان پرداخت نمی‌شود و آنها می‌روند از دادگاه رای به توقیف اموال می‌گیرند و می‌آیند وسایل شرکت را می‌برند. بانک‌ها هم همین کار را می‌کنند. وقتی این وضعیت شرکت باشد، وضعیت کارگرانش هم دیگر معلوم است. ما که حقوق بگیریم وام خودمان هم می‌ماند. یکی از همکاران ما یک ماشین پراید خریده بود تا بعدازظهرها برود مسافركشی، بانک به‌خاطر قسط‌های عقب‌افتاده‌اش آمد از پارکینگ شرکت ماشینش را برد. همکارمان وسط سالن توی سر خودش می‌زد و می‌گفت به دادم برسد، اما اما پولی نداشتم که ماشینم را بجات بدهیم. فشاری را که این مصیبت‌ها به آدم می‌آورد، می‌توانید تصور کنید؟ بالاخره یک جا کارگر از کارخانه بیرون می‌آید و بعد همه‌چیز سرش شکسته می‌شود و می‌گویند تقصیر کارگران بود که این‌کار را کردند و آن کار را کردند.

روایت تجمع

این کارگر درباره تجمع کارگران هپکو و مسدودکردن راه‌آهن شمال- جنوب می‌گوید: صبح کسی وارد شرکت نشد و رقتیم کنار پل شهید بهختیاری. نه قصدمان آزار و اذیت کسی بود و نه کار غیرقانونی کردیم. جمع شدیم و گفتیم این درد ماست. سازمان خصوصی‌سازی چرا شرکت را به کسی سپرده که اصلاً این‌کاره نیست؟ یعنی نمی‌دانستند چنین این‌کارهایشان چیست؟ یا دولت نمی‌خواهد مشکل ما را حل کند یا نمی‌تواند حل کند، اما فقط وعده و قول می‌دهند. روز تجمع هم آقای آوایی، رئیس اداره کار استان آمد و گفت جمع نکنید، ما به خودسته‌هایتان رسیدگی می‌کنیم، اما همه ما می‌دانیم هم او می‌تواند این مشکل این شرکت به دست او نیت. شرکتی به این عظمت را رها کرده‌اند. این شرکت بیتیم شده و هیچ‌کس به فکرش نیست.

منافع سایر گروه‌ها را به نفع خود مصادره کنند. بحران‌های ناشی از مؤسسات مالی هم نباید همین موضوع است. تنها مردم بی‌دفاع نیستند؛ بلکه بخش صنعت هم متضرر می‌شود و در قیاس با گروه‌های بانکی منافع کمتری به دست می‌آورد. از اواخر ۱۳۷۰ بانک‌های خصوصی منافع مردم و صنعت را به نفع خود تغییر داد. در همین شرایط است که دولت مجبور می‌شود ۱۲ هزار میلیارد تومان از جیب مردم به نفع صاحبان بانک‌ها برای پرداخت مطالبات معوقشان هزینه کند. اگر سازوکاری نداشته باشیم که اینها را کنترل کنیم، فقر و نابرابری شدت پیدا می‌کند. میدری ادامه داد: گروه‌هایی در قالب تشکل‌های صغفی مثل مهندسان، پزشکان و اصناف نیز قدرت این را دارند که در برابر گروه‌های بدون تشکل، منافع خود را پیش ببرند. هر گروهی که از تشکل و انسجام اجتماعی بیشتری برخوردار است، در درآمد هم منافع بیشتری کسب می‌کند. گروه دیگر پایتخت‌ها و کلان‌شهرها در مقایسه با بقیه شهرها هستند. این مرکز می‌تواند منافع حاشیه‌های شهرها را به نفع خود مصادره کند. درحال‌حاضر به ازای هر یک نفر که در تهران زندگی می‌کند، شهرداری در سال یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار تومان هزینه عمومی صرف می‌کند و در اصفهان این رقم به ۸۰۰ هزار تومان و در شهرهای دیگر به زیر ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد. در آموزش‌وپرورش هم این نسبت وجود دارد. انباشت سرمایه و پول در تهران متمرکز شده است؛ بنابراین ساختار این نابرابری منطقی‌ای نیز یکی از عوامل تعارض منافع است. هرچند کسانی که در تهران زندگی می‌کنند، نیز به دلیل تراکم جمعیت عموماً از رفاه مناسبی برخوردار نیستند. گروه دیگر در ایران کسانی هستند که در سیستم اداری کار می‌کنند. با انباشت نیروی انسانی مازاد به نفع خود مقرراتی وضع می‌کنند تا هم رانت‌های بیشتری را جذب کند و هم پول مازاد مقرراتی وضع می‌کند تا هم رانت‌های بیشتری را جذب کند و هم پول لازم را به وجود بیاورد که به بقای خود ادامه دهد. میدری اظهار کرد: اینجا یک فرد یا گروه نیست که استضعاف را برای همه به وجود بیاورد؛ بلکه ممکن است پزشک صاحب‌قدرت ساختاری وضع کرده باشد که مستکبر می‌شود؛ اما همان نظام مهندسان رانتی را از پزشک به دست می‌آورد. می‌توانیم در نقش‌های اجتماعی جایی مستکبر باشیم و جایی مستضعف. چه کار می‌توان کرد از آرزوهای رفاه رفته نماند، کار و ما را هدف است که مستضعف‌ها را شناسایی کند و به قدرت تعادل ببخشد. باید با پزشکان مهندسان و معلمان پیوند برقرار کنیم که قدرت پزشکان را تعدیل کنیم و شبکه‌هایی از مستضعفان در حوزه‌ها ایجاد کنیم تا قدرت را تعدیل کنیم و توازن ببخشیم.

آمادگی ۳ کشور برای جایگزین کردن نفت ایران

رئیس دوره‌ای سازمان کشورهای صادرکنده نفت در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با بلومبرگ اعلام کرد در صورت تحریم ایران، سه عضو دیگر این سازمان صادرات ایران را جبران می‌کنند. شکرالله سباز وزیر نفت بلومبرگ، سهیل المزروعی، وزیر نفت امارات متحده عربی، در سخنانی که در جریان گفت‌وگوی تلویزیونی در ابوظبی بیان شد، تلویحا چراغ سبز تحریم نفتی ایران را به آمریکا نشان داد. المزروعی که امسال رئیس دوره‌ای مجمع اوپک است، گفت: «بازار نباید تکرار کمبود نفت ایران باشد؛ چون اوپک نتوان تولید مازاد فوری دارد و به‌راحتی آن را جبران می‌کند». او در ادامه بدون اشاره به توافق کاهش تولید اوپک و هم‌پیمانان خارجی گفت: «سه کشور عربستان سعودی، امارات و کویت توان افزایش سریع تولید نفت خود را دارند و در صورت

محدودیت صادرات ایران، میزان تولید کم‌شده این کشور را جبران خواهند کرد». در ۱۰ روز گذشته، برجام و اخبار مربوط به ایران، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر قیمت نفت در بازارهای جهانی بود؛ به شکلی که در شب خروج آمریکا از برجام و پس از سخنانی ترامپ، قیمت نفت برنت در چند ساعت از مرز ۷۷ دلار نیز عبور کرد. از سوی دیگر، سید نفتی اوپک با افزایش بها در این روزها، به کمترین فاصله خود با برنت رسیده و اخبار ایران، لیبی، ونزوئلا و نایجریه در این افزایش قیمت نقش داشته‌اند. در حالی‌ها تحریم هسته‌ای ایران که به تحریم نفتی منجر شد، عربستان و امارات سهم بازار ایران را تصاحب کردند و با افزایش تولید خود، از افزایش ناگهانی قیمت نفت جلوگیری کردند، اما در نهایت قیمت هر بشکه نفت خام تا ۱۲۰ دلار نیز بالا رفت و تولید شیل آمریکا بود که نفت را از قله پایین کشید.

یادداشت

مالیات سبز مناطق آزاد در کمیسیون اقتصادی مجلس

اباذر آذربون*

● یکی از مهم‌ترین نکات در قانون‌گذاری، برطرف‌کردن مشکلات قانون قبلی و روان‌شدن مسیر پیش‌رو است. از قوانینی که هم‌اکنون در حال تصمیم‌گیری است، لایحه مالیات بر ارزش افزوده را می‌توان نام برد که در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است.

پیش از آغاز مطلب اذعان می‌کنم که به نظر نگارنده یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کنونی کشورمان مشکلات زیست‌محیطی موجود است که باید همگی با تشریک مساعی برطرف شوند. لازم است که با معضلات متنوع زیست‌محیطی از قبیل کم‌آبی، گردوغبار و آلودگی واحدهای آلاینده، برخوردی قاطع صورت بگیرد. بدیهی است که سلامت نسل‌های آینده ما در گرو اقدام به‌موقع و مناسب ما، در عصر حاضر خواهد بود. اما مالیات سبز چیست و چه ارتباطی با مناطق آزاد پیدا می‌کند و نگارنده درصدد بیان چه نکته‌ای است؟

مالیات‌های سبز و سلامت موضوع فصل ششم لایحه پیشنهادی مالیات بر ارزش افزوده است که این لایحه هم‌اکنون در کمیسیون اقتصادی مجلس در حال بحث و بررسی کارشناسی و در مسیر تصمیم‌گیری قانونی است. براساس ماده ۳۲ این لایحه، این نوع مالیات برای برخورد با واحدهای تولیدی صنعتی، معدنی و خدماتی است که استانداردهای حفاظت محیط زیست را رعایت نمی‌کنند.

باید توجه کرد که تشخیص اینن موضوع به سازمان حفاظت محیط زیست واگذار شده است؛ همچنین در همین ماده اشاره شده است که واحدهای تولیدکننده کالاها و خدمات معاف و غیرمعاف و صادراتی و واحدهای مستقر در مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی نیز مشمول مالیات سبز هستند.

در موضوع مناطق آزاد توجه به دو نکته ضروری است. اولاً فعالان اقتصادی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده مستند به ماده ۵۲ قانون فعلی مستثنا هستند؛ همچنین که براساس ماده ۵ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، سازمان‌های مناطق آزاد منحصر براساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد اداره می‌شوند و در موارد پیش‌بینی‌نشده تابع قانون تجارت هستند.

با تصویب این ماده به این صورت و با این ادبیات، حاکمیت سازمان‌های مناطق آزاد در محدوده مناطق آزاد درباره تشخیص واحدهای آلاینده مخدوش خواهد شد؛ درحالی‌که قانون خاص مناطق آزاد، مورد تاکید قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور نیز بوده است. ثانیاً همان‌گونه که سازمان‌های مناطق آزاد متولی کسب درآمد و عمران و آبادانی و جذب سرمایه‌گذاران در محدوده مناطق آزاد هستند، لازم است که درآمدهای حاصل از این موضوع نیز از طریق این سازمان‌ها تشخیص داده شوند و نهایت وصول و هزینه شوند.

نشان توجه اینکه در فصل ششم لایحه پیشنهادی مالیات بر ارزش افزوده، پرداخت مالیات پس از موعد مقرر مشمول جریمه غیرقابل‌بخشودگی دانسته شده و عرضه‌کنندگان کالاها و ارائه‌دهندگان خدمات و وارندگندان و تولیدکنندگان فصل ششم این لایحه از نظر تسلیم اظهارنامه در حکم مودی مشمول شده‌اند؛ همچنین مرجع رسیدگی به اختلافات موضوع این فصل، هیئت حل اختلاف مالیاتی موضوع تبصره ۲ ماده ۲۱۶ قانون مالیات‌های مستقیم معرفی شده است.

این موضوع در حالی است که فعالان اقتصادی در مناطق آزاد به موجب ماده ۱۲ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد به مدت ۲۰ سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی معاف هستند و اساساً مناطق آزاد، هم‌اکنون و در قانون فعلی مستثنا از شمول قانون مالیات بر ارزش افزوده هستند.

پیشنهاد می‌شود با توجه به لزوم برخورد با آلایندهگان محیط زیست و برای حفظ سلامت محیط زیست برای نسل‌های آینده و همچنین حفظ مزیت‌های قانونی مناطق آزاد به منظور ایجاد اشتغال برای نسل کنونی، در لایحه فعلی مالیات بر ارزش افزوده، حاکمیت در تشخیص، وصول، رفع اختلافات و هر آنچه با موضوع مالیات‌نامه در محدوده مناطق آزاد مرتبط می‌شود، با سازمان‌های مناطق آزاد باشد.

کمالاینکه در تأیید این نکته هم‌اکنون در بند «الف» ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مدیران سازمان‌های مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت، بالاترین مقام منطقه محسوب می‌شوند و همه وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های دستگاه‌های اجرایی دولتی مستقر در این مناطق به استثنای نهادهای دفاعی و امنیتی بر عهده آنهاست.

***کارشناس ارشد حقوقی مدیریت نظارت دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد**